

سلسلہ مباحث اخلاق و عرفان (۲۳)

سفر بہ کعبہ جانان

منحرفین و بازماندگان

تقریرات

استاد علی اللہوردی بھانی

: اللهوردیخانی، علی، ۱۳۰۱ -

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور : منحرفین و بازماندگان/ تقریرات علی اللهوردیخانی.

مشخصات نشر : تهران: توسعه دانش، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۲۵۰ ص.

فروست : سلسله مباحث اخلاق و عرفان سفر به کعبه جانان: [ج. ۲۳].

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۳۵-۲-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیفا

موضوع : آداب طریقت

موضوع : Customs of the order*

موضوع : گمراهی

موضوع : Going astray*

موضوع : انحراف اجتماعی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع : Deviant behavior -- Religious aspects -- Islam

موضوع : اخلاق اسلامی

موضوع : Islamic ethics

شماره افزودن : سفر به کعبه جانان: [ج. ۲۳].

رده بندی کنگ : ۱۳۹۵: ج. ۲۳، ۷۵ س ۷ الف ۳/۳۸۸ BP

رده بندی دیوبی : ۲۹۷/۴

شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۶۲۵۷۳



سفر به کعبه جانان

عنوان • سلسله مباحث اخلاق و عرفان

منحرفین و بازماندگان

تالیف و تدوین • علی اللهوردیخانی

ناشر • توسعه دانش

نوبت چاپ • اول، ۱۳۹۵

چاپ • خانه چاپ پایدار

تیراژ • ۱۵۰۰ جلد

قیمت ۶۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ساختمان ۳۱۰، طبقه زیر همکف

تلفن: ۶۰-۶۶۴۱۵۴۵۹

سایت: www.elmo-danesh.ir

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
	فصل اول - کمینگاه‌های مهیب دشمن
۱۹	نگرانی از عاقبت امر
۲۱	تفرقه افکنی، آرزوی خصم بزرگ
۲۴	بدست، گنا، بخشودنی
۲۸	خطر عظیم در مقام
۳۱	فرقه سازی و فرقه اندازی
۳۷	معیار نبودن رؤیا و مشاهده
	فصل دوم - علل انحرافات
۴۷	غفلت و پراکنده دلی
۵۲	بی علاقه‌گی، تردید و ضعف ایمان
۵۷	اکتفا به نظم و ترتیب‌های ظاهری
۶۱	فرار از عتاب استاد
۶۷	شهرت طلبی و عهد شکنی
۷۰	علت اصلی انحراف مردم
	فصل سوم - آثار شوم انحرافات
۸۱	نفس پرستی و سرکوب عقل و وجدان
۹۰	نوسان و تنزل انوار دل
۹۲	شقافت و قساوت دل

۱۰۰ بیماری جان‌سوز خودفریبی

۱۰۵ مسخ‌شدگی در اثر بی‌توجهی به فقرا

۱۰۸ تلاش در تفرقه‌اندازی

فصل چهارم - اولیاء خدا، ناظرین بر اعمال

۱۱۳ ما را چه عذری است؟

۱۱۸ هشدار اولیاء خدا در قبال انحرافات

۱۳۰ آگاه شدن مردان الهی به سقوط سالک

۱۳۵ سبب اشاره، شیوه دوستان

۱۳۹ دشمنان - یقینی سفراء الهی

فصل پنجم - عوامل نجات بخش

۱۴۵ پذیرش نصیحتات الهی

۱۴۹ هشدار گذر زمان

۱۵۵ شکستن طلسم معاصی

۱۵۸ توبه، قبل از فوت مهلت

۱۶۴ پرهیز از رذایل، شرط قبولی توبه

۱۷۰ تفکر استقلالی، نه تفکر اتکایی

۱۷۶ خود را ارزان بفروش

۱۸۲ ضرورت حفظ تعهد الهی

۱۹۵ عهد الهی، حرکت به سوی اولیاء

فصل ششم - ضرورت استمداد از استاد

۲۰۱ عالم ربّانی، سلاح مؤثر الهی

۲۰۷ پیروی از استاد، راه نیل به آمال

۲۱۱ رهایی از جاذبه دنیا به یاری استاد

- ۲۱۷ غم و اندوه مردان الهی
- ۲۲۳ دعوت مردان الهی به خیرخواهی
- ۲۳۰ راز ماندن در طریق حق
- ۲۳۷ فهرست آیات
- ۲۴۳ فهرست احادیث
- ۲۴۷ گزیده منابع و مآخذ
- ۲۴۹ فهرست مجلدات سفر به کعبه جانان

پیشگفتار

کتاب حاضر بخشی از مجموعه تقریرات استاد فقید جناب علی الهوردیخانی در طی نیم قرن گذشته است که در جلسات تربیتی خوش بیان فرموده‌اند.

این گنجینه ارزشمند از حقایق عالیه دین مقدس اسلام، سالیان متمادی از دسترس عموم به دور بوده تا این که در سالهای اخیر توسط همین ایشان تنظیم و به توفیق الهی برای استفاده شیفتگان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) به زیور طبع آراسته شده به امید آن که مقبول پیشگاه حق واقع گردد.

ضمن سپاس و قدردانی از زحمات بی‌انگشت فرسای معظم^{له}، از این که در زمان حیاتشان اجازه تدوین و تنظیم این مجموعه را یافته‌ایم به درگاه الهی شکرگزاریم؛ و پیشاپیش از هرگونه سهو و خطای احتمالی به هنگام یادداشت برداری یا تنظیم و بازنویسی مطالب، پوزش می‌طلبیم. امید است که خوانندگان محترم بالاخص صاحب‌نظران و اهل فضل با نظرات عالیه خود ما را در چاپ‌های بعدی این آثار یاری فرمایند.

سیاس موفور و ستایش نامحصور بر صرف وجودی که مستور است از غایت ظهور و محبوب است از شدت نور. از نوک در آب برتر است از درک هر عارف، و از تفرّد در صفات، برتر است از وصف هر واصف. اوست مختص به وجود و قدم، و به سواى اوست مخصوص به حدوث و عدم. اوست ابتدای هر وجود، اوست انتهای هر موجود.

درود بر سرور فرستادگان الهی، بهتر عالم، خاتم انبیاء، محمد (ص) و آل طاهرینش. حبیبی که به سبب انقطاع و تسلیم محض، به منزلگه جانان رسید. منزل «کُم دَنّا» رسید و بر بساط «فَتْدَلِی» قدم نهاد و به «قَاب مُرْسِین» قلاب بر رفته، بر بالش عزّت «اَوْ اَدْنِی» تکیه نمود و شراب عشق نوشید و راز دوست شنید و به وصال او نایل گشت.

خداوند متعال آن محبوب الهی را اول به کمالات خود متأدّب نمود، سپس او را الگو و اسوه انسان‌ها قرار داده، مردم را به اقتداء او امر کرد. این معلّم اول انسان‌ها نه تنها معانی ظاهریه قرآن و احکام فرعی آن را به صورت سنن و قول و فعل و تقریر بیان فرمود، بلکه حکم و معارف غیبی و لطایف شهودی و براهین عقلی و آداب سیر و سلوک مردان الهی و سنن تهذیب متخلّقان خدایی را نیز بیان فرمود.

سالکین الهی باید راه معلم اول بشر را طی نمایند و
مراحلی را بپیمایند که این محبوب خدا پیمود. مسلماً بدون
مراجعه به حق و این بزرگوار و عترت گرامی او، به مقصد
نتوان رسید. چه، هرگونه حرکتی که به محبت حق و اولیاء
گرامی او انجام نیابد، به هدف نرسد.

البته معلم ازلی، خدای تبارک و تعالی است و جز او
کسی علم آفرین نیست «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» اما در عالم
امکان، معلمین متعدّدند. گرچه در بین اهل نظر چنین رایج
است که معلم اول، ارسطو و معلم ثانی، فارابی است، لکن
اهل تحقیق برآنند که معلم اول بشر، حضرت رسول اکرم (ص)،
معلم نبی حضرات، اوصیاء و معلم ثالث، حضرات اولیاء و
علمای ربانی باشند.

معلمین واقعی آناند که سالها در مکتب الهی تربیت
یافته و به راه و رسم بزرگان در امر تعلیم و تربیت واقف
گشته و مراحل معلمی را طی کرده باشند. آری تا انسان
مجذوب جاذبه الهی نگردد، کسی برای او از نظاره و
تعلیم و تربیت الهی نباشد، نمی تواند مراحل تکامل را بپیماید
و موفق به شکوفایی استعدادهای خود در ساری گردد، بلکه
چه بسا مغلوب دشمنان بیرونی و بالآخر در پیوسته، از
مقام شامخ انسانیت ساقط گردد.

وقتی خداوند متعال بخواهد فردی را به سعادت برساند،
به او رشد عقلی کرامت می نماید تا از صحبت کسانی که در
طریقه باطل هستند، اجتناب ورزیده و به اهل صلاح و تقوی
راغب گردد، که پیغام دوست روح را تقویت می کند.

دریغا که پیغام دوست همیشه می رسد و به همه مبذول

است، اما با غیر آشنا سازش ندارد. سخن شمع را باید به پروانه دل گفت، این حدیث تنها با سوختگان سازش می‌نماید. با پای پرآبله باید طریق حق را سیر نمود و مشقت و رنج سفر را هموار کرد. بزرگان فرموده‌اند که در طریق حق، دم نباید زد، گام باید برداشت.

محفل عالم ربّانی و عارف واصل، در معنی طور میناست و از چنان محفلی، بوی جنت و بلکه رایحه عرش می‌آید. کلام عالم حقیقی ظاهراً بیان اوست، اما در معنی کلام خداست که به زبان او جاری می‌شود. چنین مردان الهی را علیم و نشانه‌هایی است که باید جویندگان و رهروان طریقی با آن نشانه‌ها آنان را بشناسند.

بر مردم، علو حصص بر سالکین الهی است که این شخصیت‌های والامقام را در ایند و از آنان استقبال نمایند، و بدانند که سرانجام تکیه بر خود، سقوط در ورطه هلاکت است.

عنایت ازلی اقتضاء می‌نماید هیچ‌گاه خداوند تبارک و تعالی بشر را بی‌حجت نگذارد.

اگر صلاح در این است که حضور مولای زمان سلام‌الله علیه ظاهراً در پرده غیبت باشد، باید در هر عصر، نفس کامله یا نفوس کامله یا علمای ربّانی باشند که فرموده ایشان را، تعالیم و اوامر الهی را تبلیغ کنند، و این حکم عقل سلیم است.

این عالمان ربّانی و عارفان حقیقی را علیمی است و آناری «وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِتًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ...». آری منظور از پیر راه، شیخ و

عارف و استاد الهی، در حقیقت فقهاء والامقام شیعه هستند که به فرموده امام صادق (ع)، دارای شرایط چهارگانه مذکور در حدیث فوق می‌باشند. به طوری که اگر شرایط مذکور به حد کمال تحقق یابد، به مقام علمای ربانی و واصلین و مخلصین نایل آیند.

در این شناخت، معیار صدق و کذب، و محور تصدیق و تکذیب، عقل است چنان که حضرت رضا علیه السلام فرموده: «الْعَقْلُ يُعْرِفُ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيُصَدِّقُهُ وَ الْكَاذِبُ عَلَى اللَّهِ فَيُكْفِرُ بِهِ». این مردان الهی، کسانی هستند که از تعلقات دنیوی هایشان یافته‌اند و قلوبشان معدن تقواست، چنان که حضرت رسول کریم (ص) فرموده: «لِكُلِّ شَيْءٍ مَعْدِنٌ وَ مَعْدِنُ التَّقْوَى قُلُوبُ الْعَارِفِينَ». برای هر چیزی معدنی است و معدن تقوی، دل‌های عارفان است. آری عاشقانی که گرد دام محبت پرواز می‌کنند، آنانند که به کلی خود را تلف نموده‌اند.

آثار الهیه حیات واقعی از سبب‌های سوزان و چشم‌های اشکریزان و دل‌های درخشان به‌اندازان ربانی و عاشقان الهی سرچشمه می‌گیرد. اثری از آثار آحاد حیات الهیه عارفان و عاشقان، کلام ایشان است. آثار و خواص باطنی کلام آنان بر کسانی روشن است که مراتب بصیرت دیدگان باطنی‌شان در حد کمال است.

بهترین کلامی که معتکفان صوامع قدس، دیباچه «کتاب مَرْقُومٌ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ» موشح نمایند، و عالی‌ترین مقامی که محرمان مجامع انس، فهرست «انْ كِتَابُ الْآبَرَارِ لَفِي عَلِيَّينَ» زینت دهند، عشق است، عشق به خدا. لذا بالاترین وظیفه علمای ربانی و اولیاء الهی نسبت به متعلمین مکتب ربوبی،

تعلیم عشق است. آنانند که متعطشان وادی ضلالت را به شراب طهور «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» سرمست سازند و به جام «وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ» سیراب گردانند.

غذای روح، معارف است و این معارف، مقامات و درجات اوست، جنت اوست بلکه فوق آن، که بهشت آفرین را یافته است. اگر آدمی روح خود را از معارف بازدارد، در این صدمت، آن ذخایر آکنده از زخارف شده، درکات اوست؛ این است حقیقت. باید بدانیم که قلم ردّ بر معرفت فکری زدن و خط بطلان بر منشورات براهین عقلی کشیدن، در واقع خط بطلان بر هستی خویش زدن است.

عالم ربّی و عارف الهی می‌کوشد تا چراغ دقایق و لحظات انسان‌ها را از مشعل همواره روشن لاهوت که خویشتن استضائه کرده، بی‌فروزد. او در آتش عشق ربوبی می‌سوزد و از مشرب قدس احمدی (ع) و مکتب انس علوی، درس عشق و کشف و عروج می‌آموزد.

او می‌خواهد جامه جان انسان‌ها را در کوثر آرامش فروشوید تا دست از سفره سیاه عالم بیعت برکشند. هر کلمه‌ای که عالم ربّانی و عارف الهی بر تشنگان وادی رحمت گوید، و هر اشاره‌ای بر جان مشتاقان کند، گرمی از طعم رحمت می‌گشاید. از این‌روست که با اتکاء به نفس و بدن گرایش به محضر مردان الهی، بصیرت باطنی انسان به مقام تحقق نمی‌رسد.

مردان الهی کسانی هستند که به مقام شهود رسیده‌اند. نوشته‌ها و کلام آنان، آثار و علایم و تجلی علم شهودی آنان است. علم شهودی در کاغذ و کتاب و کتیبه و پوست

نمی‌گنجد؛ علمی است که در صحیفه اول است و راقم الهی در آن رقم می‌زند و نغمه «کَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ» را در لوح دل ایشان می‌نگارد.

اما هر دلی را این قابلیت و شایستگی نیست. آینه دلی که زنگ زده و مکدر است، قابل انعکاس نیست و نشان نمی‌دهد مگر لیلی مجازی را. آن آینه‌ای که لیلی حقیقی را، معشوق ازلی را می‌نمایاند، خود حقیقی است نه خود مجازی.

این است که یکی از ارکان نکات دقیقه و رقیقه برای هر معلم و مربی الهی، پاکی نفس و صفای دل است که تا این معنی یا نور الهی در او تحقق نیابد، حصول نتایج الهیه از تعلیم و تربیت او، بی‌معنی و بی‌محتوا بوده و از امور محالیه به شمار می‌آید. اسلام عالی‌ترین دانشگاهی است که بنیاد آن بر طهارت نفس بنا شده است.

آری، مربی الهی علاوه بر مطالعه کتب عالیه و تلاش در تحصیل علوم و معارف حقه، باید اول از همه نفس خود را در بوته ریاضت بگدازد و تصفیه کند به واسطه اکسیر عشق و تقوی، مس دل خود را مبدل به عمارت و آلا سزاوار این منصب خدایی نخواهد بود.

متعلمین مکتب الهی، آن جوانمردان راه حق دانند آن که خیمه در کوی عشق زند، از دیدن جفاها و بلاها فارغ نشود و راه شد. او را به زنجیر ضجرت از در حلقه بی‌نیازی، حلق نیازش را بیاویزند. اما آن که قدم در بساط دنیا نهاد، عاشق دنیا شد.

علمای ربانی و واصلینی که خیر عاقبت نصیب آنان گشته، از همان مراتب عقلی و امکانات تعلیمی و تربیتی برخوردارند که یک سالک الهی بهره‌مند است، با این تفاوت که آنان تا پایان

عمر ملبس به لباس تقوی شدند و آلا تنزل و یا سقوط می کردند.

مسلماً علامتی از علایم پیروزی خصم بر انسان و به خصوص بر رهرو الهی، این است که ظواهر به او راه یابد و سیرش در ظواهر گردد، هرچند ظواهر علم باشد. اما توصیه اکید بزرگان این است که سالکا در رفع حجب کوش نه در جمع کتب، که علم بدون عمل و تزکیه و بدون تواضع، به کار نهد و بر حجاب افزاید.

رهبران الهی، آن معلمین دلسوز و مربیان حقیقی بشر، سرّ تمرّد انجمن انسان‌ها را چنین بیان می‌فرمایند که پیروی از لذات و شهوات کاذب نفسانی، موجب سرپیچی از پیروی مصلحین و بزرگان دین می‌گردد.

هر که تابع هوی‌های نفسانی شود، لذات و شهوات او را به هبوطی کشد که در آن فروغ فطرت و عقل رو به خاموشی گراید و در آن مهبط، فطرت و بضایل انسانی ساقط گردد و بسا که به انکار حقایق و مبارزه با اهل حق منتهی شود.

کسانی که درصدد انکار حقایق برآید و بدون تحقیق دربارهٔ مردان الهی قضاوت می‌کنند، مبتلا به بیماری جان‌سوز خودفریبی گشته‌اند. کجایند آن غفلت‌زدگان که اگر در انسان درد طلب می‌بود، از بیماری کفر و نابینایی «صُمُّ بَکُم عُمی فَمَنْ لَا یَعْقِلُونَ» رهایی می‌یافتند.

اگر آدمی این حقیقت را می‌پذیرفت که جمال و کمال بی‌حد و مرز الهی در انتظار اوست، هرگز خود را در راه پدیده‌های فریبنده کمال‌نما و زیبایی‌های زودگذر نمی‌باخت؛ و این مجنون‌های جوامع، آن من‌خداجو و بی‌نهایت‌گرا را در راه وصال لیلی دنیا نمی‌فروختند.